



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۴ / شماره ۱ (پیاپی ۵۳) / بهار ۱۴۰۴
صفحه ۶۴۱ تا ۶۶۱

بررسی جامع عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری

علیرضا شاهرضا

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
alishahreza1358@gmail.com

خسرو فغانی ماکرانی

دانشیار گروه حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)
Kh.makrani@chmail.ir

نقی فاضلی

استادیار گروه حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
fazeli.nphd@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

چکیده

این پژوهش باهدف ارزیابی تأثیر سرمایه فکری، مؤلفه‌های سرمایه مالی، شاخص‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های کلان اقتصادی تحت عنوان عوامل درون و برون‌سازمانی بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. داده‌های موردنیاز از صورت‌های مالی حسابرسی شده و اطلاعات موجود در تارنمای بانک مرکزی برای دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده است. برای بررسی معنی‌دار بودن تأثیر متغیرهای موردبررسی، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، سرمایه فکری و نرخ بهره تأثیر مثبت و کیفیت دارایی‌ها، مدیریت هزینه و توسعه بازار سرمایه بر بازده دارایی‌های بانک‌ها تأثیر منفی داشته‌اند و سرمایه فکری، تمرکز مالکیت و نرخ بهره تأثیر مثبت و کیفیت دارایی‌ها، مدیریت هزینه، کفایت سرمایه، توسعه بازار سرمایه و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها تأثیر منفی داشته‌اند. شواهد تجربی حاصل از این پژوهش تأکید می‌نماید که مدیران بانک‌های تجاری باید به عوامل درون و برون‌سازمانی توجه کافی داشته باشند تا بتوانند سودآوری بانک‌های تجاری را بهبود ببخشند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فکری، سرمایه مالی، سودآوری، اقتصاد کلان، شاخص‌های صنعت بانکداری.

۱- مقدمه

بانک‌های تجاری در کنار بازار سرمایه، یکی از مهم‌ترین مراجع تأمین مالی واحدهای تجاری به شمار می‌روند که بخش اعظم درآمد خود را از واسطه‌گری وجوه، بین سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان کسب می‌نمایند. در اقتصاد بانک محور ایران، بانک‌های تجاری عامل اصلی مؤثر در اقتصاد هستند، زیرا باعث ایجاد جریان منابع سرمایه‌گذاری در رگ‌های اقتصاد شده و در میان‌مدت تعیین‌کننده رشد و اشتغال جامعه می‌شوند. آن‌ها مانند هر بنگاه اقتصادی دیگری، به دنبال حداکثر نمودن سود خود هستند.

اقتصادهای دارای بخش بانکی سودآور، قادر به مقاومت در برابر شوک‌های منفی هستند. از یک سو سودآوری بانک‌های تجاری به ثبات سیستم مالی کشور کمک می‌کند و در سوی مقابل، ورشکستگی آن‌ها می‌تواند منجر به بحران سیستماتیک شود و تأمین مالی صنایع را با چالش مواجه نماید (اسد الاسلام، ۲۰۱۷)؛ بنابراین، همه‌ی مدیران بخش‌های بانکی باید عوامل بحرانی مرتبط با سودآوری بانک‌ها را شناسایی نمایند تا بتوانند اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه‌ای را برای ایجاد ثبات در سود خود انجام دهند که برای رقابت‌پذیری آن‌ها بسیار مهم است (کان کولتای، ۲۰۱۸).

اساساً ادبیات موجود در سودآوری بانک‌ها بسیار وسیع و چالش‌برانگیز است، به طوری که تفاوت‌های ایجادشده در قوانین و مقررات، استانداردهای حسابداری و محیط‌های اقتصادی در هر کشوری و هر دوره‌ای که بررسی انجام می‌شود، نتایج مورد انتظار را متفاوت می‌نماید (گلین و همکاران، ۲۰۱۴).

در سال‌های اخیر سودآوری صنعت بانکداری ایران به شدت کاهش یافته است و این امر با توجه به آنچه بیان شد، زنگ خطری برای کل جامعه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، افزایش میزان رقابت بین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در بازار ارائه خدمات پولی و مالی، مسئولین عالی‌رتبه بانک‌ها و کارشناسان مالی آن‌ها را وادار به یافتن راه‌حلهایی جهت افزایش سهم از بازار و بهبود سودآوری بانک‌های تجاری نموده است.

طی بررسی‌های انجام‌شده، عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در دودسته درون‌سازمانی و برون‌سازمانی قابل‌بررسی است. مدیریت سرمایه مالی و مدیریت سرمایه‌های فکری به‌عنوان عوامل درون‌سازمانی و مؤلفه‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های اقتصاد کلان به‌عنوان عوامل محیطی یا متغیرهای برون‌سازمانی در پژوهش‌های مختلف موردبررسی قرار گرفته است.

از آنجایی که شناسایی این عوامل بسیار بااهمیت است، هدف اصلی این پژوهش بررسی جامع عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری در دو حوزه درون و برون‌سازمانی به‌صورت هم‌زمان است. شناخت عوامل مؤثر بر سودآوری می‌تواند به مدیران بانک‌های تجاری، در کاهش ریسک‌های غیر سیستماتیک (درون‌سازمانی) و ایجاد یک نگرش صحیح از شرایط موجود کمک کند که در نتیجه باعث برنامه‌ریزی برای عملکرد بهتر واحد تجاری در شرایط رقابتی می‌شود. هدف بعدی این پژوهش نیز افزایش آگاهی استفاده‌کنندگان از دانش مالی ازجمله سهامداران، اعتباردهندگان، دانش‌پژوهان و سایر استفاده‌کنندگان این حوزه است و درنهایت این پژوهش می‌تواند آغازی برای انجام این‌گونه مطالعات در صنایع دیگر باشد.

در بعد نوآوری، طی بررسی‌های انجام‌شده، این پژوهش نخستین مطالعه‌ای است که در ایران، به‌طور هم‌زمان به بررسی چهار عامل تأثیرگذار بر سودآوری بانک‌های تجاری، شامل سرمایه‌های مشهود و نامشهود از یکسو و متغیرهای صنعت بانکداری و اقتصاد کلان تحت عنوان عوامل محیطی می‌پردازد. به عبارتی بررسی نقاط ضعف و قوت در درون بانک‌ها از یکسو و فرصت‌ها و تهدیدات برون‌سازمانی از سوی دیگر جامع بودن این پژوهش را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

بنابراین سؤال این پژوهش این است که در حال حاضر تأثیر سرمایه فکری، مؤلفه‌های سرمایه مالی، شاخص‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های کلان اقتصادی تحت عنوان عوامل درون و برون‌سازمانی بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟ این مطالعه با گروه‌بندی عوامل داخلی و برون‌سازمانی مؤثر بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری به‌عنوان دو شاخص سودآوری، به دنبال تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره است. ساختار این پژوهش به این صورت خواهد بود که در ادامه مبانی نظری، مروری بر پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها آمده است.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

بر اساس رویکرد مبتنی بر منابع^۱، بر مدیریت مناسب انواع منابع استراتژیک در اختیار سازمان‌ها، شامل منابع مالی (پول نقد، دریافتی‌ها و سرمایه‌گذاری و...)، منابع فیزیکی (کارخانه، اموال و تجهیزات و...)، منابع انسانی (دانشمندان، مدیران و کارکنان و...) و توانمندی‌های فناورانه، منابع اطلاعاتی و دارایی‌های نامشهود (از قبیل شهرت، اعتبار، نام تجاری، سرقفلی و...) تأکید می‌شود (علی احمدی، ۱۳۸۲).

به‌موجب پیوست یک از مفاهیم نظری گزارشگری مالی، سرمایه مالی مترادف با خالص دارایی‌ها یا حقوق صاحبان سرمایه تعریف شده است. ادوینسون، ارزش شرکت را ناشی از سرمایه مالی و سرمایه فکری می‌داند. به عقیده وی آنچه در ترازنامه شرکت‌ها درج شده است؛ سرمایه مالی و آنچه در ترازنامه درج نمی‌شود اما باعث ایجاد ارزش برای سازمان می‌شود، سرمایه غیرمالی نامیده است. بر این اساس ارزش ایجادشده توسط منابع موجود در ترازنامه، ارزش آشکار و ارزش ایجادشده توسط سرمایه فکری را ارزش پنهان در نظر گرفته است. سرمایه فکری ناشی از سرمایه انسانی، ساختاری و مشتری است و سرمایه‌های مالی، ارزش دفتری شرکت یعنی تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت عنوان شده است (ادوینسون، ۱۹۷۹). سرمایه انسانی نوآوری ایجاد می‌کند؛ خواه محصولات و خدمات جدید باشد، یا فرایندهای تجاری را بهبود ببخشد. سرمایه ساختاری دانشی است که از نظر فن‌آوری، اختراعات، داده‌ها، نشریات، استراتژی و فرهنگ، ساختارها و سیستم‌ها، روال‌ها و رویه‌های سازمان به‌طور کلی به سازمان تعلق دارد و سرانجام، سرمایه مشتری ارزش شرکت ناشی از روابط مداوم آن با افراد یا سازمان‌هایی است که به درآمد شرکت کمک می‌نماید (ریاحی بلکویی، ۲۰۰۳). سرمایه‌های مالی به‌عنوان منابع گزارش‌شده در ترازنامه هر بانک، تعیین‌کننده سودآوری برای هر بانک خاص است و در بسیاری موارد نتیجه

^۱ -Resource Based Planning Approach

مستقیم تصمیمات مدیریتی است که شامل متغیرهای ساختار دارایی، کیفیت دارایی، کفایت سرمایه، ساختار مالی، کارایی مدیریت، اندازه بانک، مدیریت هزینه و تنوع درآمد است (آنتونیو، ۲۰۱۳).
مورتی و موریتسن در سال ۲۰۱۱ به بررسی رابطه سرمایه فکری و سرمایه مالی در عملکرد بانک‌ها پرداختند. نتایج نشان داده است سرمایه مالی و سرمایه فکری بجای آنکه علت و معلول یکدیگر باشند، در عملکرد بانک‌ها مکمل یکدیگر هستند.

بنابراین در حال حاضر، سرمایه‌های مشهود به‌تنهایی کلید کامیابی جوامع و سازمان‌ها نیستند، بلکه سرمایه فکری و مدیریت آن در عرصه محیط پرتلاطم و چالشی امروز رمز موفقیت محسوب می‌شود (همتی، ۱۳۸۹).
در نقطه مقابل، عوامل برون‌سازمانی شامل عناصر محیطی خارج از سازمان هستند که خارج از حیطه تصمیم‌گیری مدیران قرار دارند و ناشی از عوامل محیط اجتماعی، اقتصادی و حقوقی محل فعالیت بانک‌ها هستند که در اغلب اوقات به‌صورت غیرمستقیم با سودآوری بانک‌ها در ارتباط بوده و بر عملکرد صنعت بانکداری تأثیر می‌گذارد. بدیهی است با تغییر شرایط کلان اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، عوامل تعیین‌کننده سودآوری بخش بانکی نیز ممکن است تغییر کند (جیمز، ۲۰۱۴). این عوامل شامل متغیرهای صنعت بانکداری و متغیرهای اقتصاد کلان می‌باشند.

متغیرهای صنعت بانکداری شامل تمرکز مالکیت، توسعه بازار سهام و رقابت هستند که ممکن است با سودآوری بانک‌ها مربوط باشند (گلین و همکاران، ۲۰۱۴). تمرکز مالکیت بر اساس تئوری نمایندگی قابل توجه است زیرا مدیر بر اساس خواست سهامدار یا سهامداران اصلی رفتار می‌کند و نه همه سهامداران. آن‌ها می‌توانند از طریق نماینده خود در هیئت‌مدیره، مدیری را انتخاب کنند که به نفعشان عمل نماید (پیترسون و اولینکا، ۲۰۱۷).
بازار سهام توسعه‌یافته‌تر باعث افزایش تأمین مالی بیشتر شرکت‌ها از طریق بازار سرمایه به‌جای بانک‌ها می‌شود. این امر باعث کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها و درنهایت کاهش هزینه‌های مطالبات مشکوک‌الوصول بانک و افزایش سودآوری آن‌ها می‌شود (گلین و همکاران، ۲۰۱۴). رقابت موجب شده است که به مدیریت کسب‌وکار، نگاه راهبردی و استراتژیک صورت پذیرد و به مؤلفه انکارناپذیر کسب‌وکار کنونی تبدیل شده است که با ورود به هزاره سوم پیچیده‌تر شده و پیش‌بینی می‌شود به مرحله‌ای نوین برسد (رهنمای رود پستی، ۱۳۹۲). این بدان معنی است که تغییر در سهم از بازار باعث تغییر در سودآوری بانک‌های تجاری می‌شود.

متغیرهای اقتصاد کلان شامل رشد تولید ناخالص داخلی، تورم، نرخ ارز و نرخ بهره می‌باشند. رشد تولید ناخالص داخلی یک معیار کلی از رشد اقتصادی است و انتظار بر این است که در مواقع رونق اقتصادی، ریسک اعتباری بانک‌ها کاهش و فرصت‌های سودآوری آن‌ها افزایش یابد (گلین و همکاران، ۲۰۱۴). ریسک نرخ ارز ناشی از عدم تطابق ارزش‌گذاری بین دارایی‌ها و بدهی‌های مختلف بانک‌ها است که به ارز داخلی بیان می‌شود. این عدم تطابق، ممکن است باعث زیان بانک‌ها شود (گرینینگ، ۲۰۰۹). از طرف دیگر افزایش نرخ ارز می‌تواند احتمال بازپرداخت تسهیلات بانک‌ها را کاهش دهد و باعث افزایش ریسک اعتباری و نقدینگی بانک گردد.

هرچه نرخ تورم بیشتر باشد، احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات بیشتر می‌شود و در نتیجه ریسک اعتباری و نقدینگی افزایش یابد؛ زیرا منفعت نگهداری پول (اختلاف مابین تورم و نرخ تسهیلات بانکی) افزایش می‌یابد و

افراد ترغیب می‌شود تا بازپرداخت تسهیلات خود را به تعویق بیندازند (اربابیان و همکاران، ۱۳۹۵). کشورهایی که تورم بالاتری دارند، معمولاً دارای بازار بانکی غیر مولد هستند. با افزایش تورم، حجم تسهیلات پرداختی به بخش خصوصی کاهش می‌یابد (پور مهر و دیگران، ۱۳۹۷). نرخ بهره پایین و فشارهای رقابتی در بین بانک‌ها، توانایی آن‌ها را برای قیمت‌گذاری مناسب وام‌ها و سپرده‌ها محدود می‌نماید و این ممکن است حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها را تحت فشار قرار داده و اثر منفی بر سودآوری آن‌ها داشته باشد (مهربان پور و دیگران، ۱۳۹۶). در ادامه به ارائه نتایج برخی پژوهش‌های مرتبط در این بخش پرداخته شده است.

دستگیر و دیگران در سال ۱۳۹۳ به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار با استفاده از روش پالیک پرداخت. نتایج نشان می‌دهد سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های بررسی‌شده تأثیر مثبت دارد. لیکن تأثیر کارایی سرمایه مالی و فیزیکی نسبت به سرمایه انسانی بیشتر است. محمود زاده و عفتی باران در سال ۱۳۹۶ به بررسی تأثیر سرمایه فکری و اجزاء آن (سرمایه ساختاری، سرمایه انسانی و فیزیکی) بر عملکرد مالی در بانک‌های ایران با استفاده از روش ارزش‌افزوده سرمایه فکری (پالیک) پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است هر سه عامل سرمایه فکری بر سودآوری بانک‌ها تأثیر داشته است اما ضریب کارایی سرمایه انسانی نسبت به ساختاری و فیزیکی تأثیر بیشتری داشته است.

اکتاویو و سوئستیو در سال ۲۰۱۹ به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر سودآوری بانک‌های اسلامی و متعارف بانک‌های اندونزی با استفاده از مدل ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری پالیک پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی سرمایه فکری تأثیر مثبتی در سودآوری بانک‌ها و بخصوص بانک‌های متعارف دارد. در این بین تأثیر کارایی سرمایه انسانی قابل توجه، اما کارایی سرمایه ساختاری و سرمایه بکار گرفته‌شده غیرقابل اتکا بوده است.

لیو و ژو در سال ۲۰۲۰ به بررسی تأثیر سرمایه‌های فکری بر عملکرد شرکت‌های تولیدی با استفاده از مدل اصلاح‌شده پالیک پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که سرمایه مالی و فیزیکی بیشترین تأثیر را بر عملکرد شرکت یعنی بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام داشته است. سرمایه انسانی نیز به‌عنوان یک عامل افزایش‌دهنده عملکرد تأیید شده است. سرمایه ساختاری تأثیر معنی‌داری بر عملکرد شرکت نداشته و سرمایه نوآوری و سرمایه ارتباطی تأثیر منفی بر سودآوری شرکت‌های مورد بررسی داشته‌اند.

نجفی شریعت زاده در سال ۱۳۹۵ در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران» دریافت که کفایت سرمایه، ساختار دارایی‌ها، اندازه بانک و تورم بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران اثر مثبت و مستقیم دارند و اثر متغیر ریسک اعتباری بر شاخص سودآوری بانک‌های تجاری ایران منفی و معکوس است.

مهربان پور و دیگران در سال ۱۳۹۶ به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها تحت عنوان معیارهای خاص هر بانک و معیارهای مربوط به ساختار صنعت و محیط کلان اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان داده است ساختار دارایی‌ها، تنوع درآمدی، رشد اقتصادی و تورم با سودآوری بانک‌ها رابطه مثبت داشته و کفایت سرمایه، ساختار مالی، اندازه بانک، رقابت بانکی و نرخ بهره با سودآوری رابطه منفی دارد. در نهایت هیچ ارتباطی بین کیفیت دارایی‌ها، مدیریت هزینه با سودآوری بانک‌ها مشاهده نشده است.

فاتیوس و کاسمیدو در سال ۲۰۰۷ به بررسی ویژگی‌های خاص بانک و صنعت بانکداری در سودآوری بانک‌های تجاری پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که کفایت سرمایه، نقدینگی و توسعه بازار سهام رابطه مثبت و اندازه بانک و مدیریت هزینه با سودآوری بانک‌های تجاری ارتباط منفی داشته‌اند.

جیمز در سال ۲۰۱۴ به بررسی تأثیر شاخص‌های خاص بانک، شاخص‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های اقتصاد کلان بر سودآوری بانک پرداخته است. یافته‌ها حاکی از وجود تأثیر مثبت و معنادار کفایت سرمایه، اندازه بانک و سپرده‌ها بر سودآوری بانک‌ها است. ریسک اعتباری و نقدینگی تأثیر منفی و معناداری بر سود بانکی دارند. با این حال، هیچ شواهدی در حمایت از اثر متغیرهای خاص صنعت یافت نشده و نرخ تورم و نرخ بهره به‌طور قابل توجهی بر سودآوری بانک به‌صورت منفی مرتبط بوده است.

گلین و همکاران در سال ۲۰۱۴ به‌اندازه‌گیری عملکرد و سودآوری بانک‌های ایالات‌متحده با تمرکز بر تحقیقات قبلی و تحلیل بنیادی پرداخته است. وی از متغیرهای صنعت، بانک و اقتصاد کلان برای بررسی سودآوری بانک‌های تجاری استفاده کرده است. یافته‌ها نشان داده است از میان شاخص‌های عملکرد، نسبت کارایی و ریسک اعتباری رابطه منفی و کفایت سرمایه رابطه مثبت با سودآوری دارند. متغیرهای کلان اقتصادی به‌صورت گسترده هیچ ارتباطی با سودآوری در طول سال‌های موردبررسی نداشته است که نشان از تأثیر تأخیری آن‌ها بر سودآوری دارد.

پیترسون و اولینکا در سال ۲۰۱۷ در تحقیقی تحت عنوان «تمرکز مالکیت و سودآوری بانک» متوجه شدند که بانک‌های دارای مالکیت متمرکز بالا، نسبت بازدهی دارایی‌ها، حاشیه سود خالص بالاتر و درآمد‌های تکراری هستند درحالی‌که بانک‌های با مالکیت پراکنده، دارای بازده دارایی پایین‌تری هستند.

جاکوب در سال ۲۰۱۷ به بررسی تأثیر محیط نرخ بهره پایین با پایداری سودآوری و ریسک‌پذیری بخش بانکی ایالات‌متحده پرداخت. نتایج نشان داده است نرخ بهره بر بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص تأثیر مثبت و بر سود قبل از کسر مالیات تأثیر منفی دارد.

ایسیک و دیگران در سال ۲۰۱۸ به بررسی تأثیر اندازه و تصمیمات رشد بر سودآوری بانک‌های ترکیه پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه به‌طور قابل توجهی با سودآوری ارتباط مثبت دارد. در این پژوهش با افزایش اندازه بانک، ابتدا سوددهی بانک افزایش و سپس کاهش می‌یابد و این به معنی یک رابطه غیرخطی (به‌عنوان مثال رابطه‌ی معکوس U شکل) بین شاخص‌های اندازه بانک و سودآوری به‌دست‌آمده است و این با فرضیه صرفه‌جویی ناشی از مقیاس ناسازگاری دارد.

قیصر علی و دیگران در سال ۲۰۱۸ به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سودآوری بانک‌های اسلامی در برونئی پرداخته است. یافته‌ها نشان داده است که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و نرخ ارز تأثیر مثبت قابل توجهی بر سودآوری دارد.

سانگ، چونگ و جانه در سال ۲۰۲۰ به بررسی سودآوری بانک‌های مشارکتی در کشورهای آسه آن پرداختند. نتایج نشان داده است نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌دار و تورم اثر منفی و ضعیف بر سودآوری بانک‌ها دارد.

محمد، محمد و محمود در سال ۲۰۲۰ در پژوهشی به بررسی تعیین عوامل اصلی سودآوری بانک‌های اسلامی در بحرین با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است تورم تأثیر مثبت و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌های بحرین داشته است.

اندری و همکاران در سال ۲۰۲۰ به بررسی عوامل داخلی و خارجی بر حاشیه سود بانک‌های تجاری اندونزی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای کیفیت دارایی‌ها و نرخ ارز تأثیر منفی و متغیر نرخ بهره و نسبت وام به سپرده تأثیر مثبت بر حاشیه سود بانک‌های موردبررسی داشته است.

قیاض و همکاران در سال ۲۰۲۱ به بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی اردن پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که کیفیت دارایی‌ها و کفایت سرمایه به‌عنوان عوامل درون‌سازمانی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان عامل برون‌سازمانی بر عملکرد بانک‌های اسلامی تأثیر مثبت داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است و میزان و چگونگی ارتباط بین سرمایه فکری و مؤلفه‌های سرمایه مالی به‌عنوان عوامل درون‌سازمانی و متغیرهای صنعت بانکداری و شاخص‌های اقتصاد کلان به‌عنوان عوامل برون‌سازمانی را با بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار را به‌عنوان دو شاخص سودآوری، از طریق رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار ایویوز ۱۰، بررسی می‌نماید. به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی، از نظر هدف کاربردی، از لحاظ نحوه گردآوری پژوهش نیمه تجربی، از نظر قالب استدلال، قیاسی-استقرایی و درنهایت از نوع پس‌رویدادی است.

از آنجاکه روش گردآوری اطلاعات این پژوهش، کتابخانه‌ای است، داده‌های موردنیاز برای اندازه‌گیری سرمایه فکری و مؤلفه‌های سرمایه مالی از صورت‌های مالی حسابرسی شده بانک‌های مشمول استخراج و برای متغیرهای برون‌سازمانی از پایگاه اینترنتی بانک مرکزی استفاده شده است. ابزار تحلیل مورد استفاده، نرم‌افزار اکسل و ای ویوز ۱۰ می‌باشد.

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۷ بانک تجاری فعال در بورس اوراق بهادار تهران، شامل بانک‌های تجارت، ملت، پارس‌سیان، پاسارگاد، دی، اقتصاد نوین، شهر، سینا، آینده، سامان، پست‌بانک، کارآفرین، انصار، حکمت، خاورمیانه، سرمایه و صادرات است. لذا با توجه به محدود بودن جامعه از نمونه‌گیری استفاده نگردید و نمونه شامل کل جامعه است. با توجه به بررسی سرمایه فکری در این پژوهش، این بانک‌ها باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

- (۱) در طول دوره تحقیق فعالیت داشته و دارای اطلاعات و صورت‌های مالی حسابرسی شده باشند.
- (۲) نسبت بدهی بیش از یک نداشته باشند (حقوق صاحبان سهام آن‌ها منفی نباشد).
- (۳) ارزش‌افزوده منفی نداشته باشند.

¹-Eviews10

۴) سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

بنابراین داده‌های موردنیاز برای دوره ۶ ساله ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ استخراج و تجزیه و تحلیل شده است. با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، از ۱۰۲ سال - شرکت، ۱۵ سال - شرکت به دلیل منفی شدن حقوق صاحبان سهام و ۴۹ سال - شرکت به دلیل نداشتن سود عملیاتی و منفی شدن ارزش افزوده از نمونه این پژوهش حذف و در نهایت ۳۸ سال - شرکت مورد بررسی قرار گرفت که این امر حاکی از شرایط بحرانی سودآوری بانک‌های تجاری در سالیان اخیر است؛ بنابراین با توجه به فیلتر نمودن شرایط موجود در جامعه آماری، مدل از حالت داده‌های تابلویی خارج و به صورت مقطعی بررسی شده است.

۳-۲- پرسش پژوهش

با توجه به ادبیات نظری و بررسی تحقیقات پیشین، سؤال این پژوهش این است که در حال حاضر تأثیر سرمایه فکری، مؤلفه‌های سرمایه مالی، شاخص‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های کلان اقتصادی تحت عنوان عوامل درون و برون‌سازمانی بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

۳-۳- مدل پژوهش

برای پاسخ به پرسش پژوهش، رابطه (۱)، به‌عنوان مدل دربرگیرنده هر چهار عامل درون و برون‌سازمانی پژوهش، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

$$P_{it} = C + \beta_0 VAIC_{it} + \sum_{j=1}^J \beta_j x_{ij} + \sum_{l=1}^L \beta_l x_{il} + \sum_{m=1}^M \beta_m x_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن P_{it} ، سودآوری بانک‌های تجاری، c عرض از مبدأ یا ضریب ثابت است، ε_{it} خطای باقیمانده یا پسماند مدل خواهد بود و پارامترهای مدل رگرسیون نیز با β نمایش داده می‌شوند. $VAIC_{it}$ سرمایه فکری بر اساس مدل پالیک اصلاح‌شده و توسعه یافته هر بانک در هر سال است و x_{it} نیز متغیرهای توضیحی مربوط به سرمایه مالی، شاخص‌های اقتصاد کلان و متغیرهای صنعت بانکداری است.

رابطه (۱) به صورت بسط یافته، به صورت رابطه (۲) است که در آن سرمایه فکری به متغیرهای هر سه عامل ذکر شده دیگر ارائه شده است:

$$P_{it} = c + \beta_0 VAIC_{it} + \beta_1 AS_{it} + \beta_2 AQ_{it} + \beta_3 CA_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 CM_{it} + \beta_6 RD_{it} + \beta_7 OC_{it} + \beta_8 COM_{it} + \beta_9 SMD_{it} + \beta_{10} GDP_{it} + \beta_{11} INF_{it} + \beta_{12} IR_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

شایان ذکر است دو متغیر اندازه بانک و کارایی مدیریت از متغیرهای عامل سرمایه مالی و متغیر نرخ ارز از متغیرهای شاخص‌های اقتصاد کلان، به دلیل هم خطی با سایر متغیرها از مدل مورد بررسی حذف گردیده‌اند.

۳-۴- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش سودآوری بانک‌های تجاری است که از طریق دو شاخص بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) تبیین می‌شود. به‌منظور کاهش اثر تغییرات اقلام ترازنامه در طی سال و قابل‌اتکاتر شدن نتیجه تحقیق، از میانگین دارایی‌ها و میانگین حقوق صاحبان سهام در محاسبات استفاده شده است. بازده دارایی‌ها^۱ نشان می‌دهد که مدیریت بانک با استفاده از کل دارایی‌های خود برای به دست آوردن سود، چگونه عمل نموده است. هرچه این میزان بالاتر باشد نشان می‌دهد که مدیریت در استفاده از دارایی‌های در اختیار خود کارآمدتر بوده است. این شاخص از طریق نسبت سود خالص به میانگین دارایی‌ها محاسبه می‌شود. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام نشان می‌دهد مدیریت یک بانک تا چه حد توانسته است از وجوه سهامداران به‌طور مؤثر استفاده نماید و نشان‌دهنده بازده صاحبان سهام است. از آنجاکه حقوق صاحبان سهام از طریق تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌های واحد تجاری محاسبه می‌شود، این نسبت بازده خالص دارایی‌ها نیز نامیده می‌شود. متغیرهای مستقل شامل سرمایه فکری، مؤلفه‌های سرمایه مالی، مؤلفه‌های صنعت بانکداری و مؤلفه‌های اقتصاد کلان است. برای اندازه‌گیری سرمایه فکری از مدل ارزش‌افزوده پالیک اصلاح‌شده و توسعه‌یافته، به‌عنوان یک روش مالی مبتنی بر صورت‌های مالی حسابرسی شده، استفاده می‌گردد. در این مدل سرمایه نوآوری و سرمایه ارتباطی (مشتری) به مدل پالیک اضافه شده است. اولین گام، محاسبه ارزش‌افزوده در بانک‌ها از طریق تفاوت بین ورودی‌ها (درآمدها) و خروجی‌ها (هزینه‌ها) است که به‌مانند لیو و ژو در سال ۲۰۲۰ از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$VA_m = OP + DE + HE + RDE + MAE \quad (3)$$

که در این رابطه، VA_m ارزش‌افزوده هر بانک در هر سال، OP سود عملیاتی^۲ (سود عملیاتی ناشی از تفاوت بین درآمدهای ناشی از فعالیت‌های اصلی واحد تجاری پس از کسر هزینه‌های عملیاتی مرتبط با آن است؛ بنابراین سود عملیاتی بانک‌ها شامل درآمدهای ناشی از اعطای تسهیلات، سرمایه‌گذاری، نتیجه مبادلات ارزی و کارمزدها پس از کسر هزینه‌های عملیاتی شامل سود پرداختی به سپرده‌گذاران، هزینه‌های مطالبات، هزینه‌های مالی، کارمزد پرداختی و هزینه‌های اداری و کارکنان است). DE هزینه استهلاک^۳، HE هزینه حقوق و دستمزد کارکنان^۴، RDE هزینه تحقیق و توسعه و MAE هزینه تبلیغات و بازاریابی^۵ برای هر بانک در هر سال موردبررسی است. سرمایه فکری در مدل پالیک اصلاح‌شده و توسعه‌یافته ($VAIC_m$) از طریق جمع مؤلفه‌های آن شامل کارایی سرمایه به‌کاررفته (CEE_m)، کارایی سرمایه انسانی (HCE_m)، کارایی سرمایه ساختاری (SCE_m)، بازده سرمایه نوآوری (RDE_m) و بازده سرمایه ارتباطی (RCE_m)، طی رابطه شماره (۹) محاسبه می‌شود:

¹ - Return on Average Assets

² - Operating profit

³ - Depreciation and Amortization expenses

⁴ - Employees' salaries and wages

⁵ - Marketing and advertising expenses

$$CEE_m = VA_m / CE \quad (4)$$

$$HCE_m = VA_m / HE \quad (5)$$

$$SCE_m = (VA_m - HE - RDE - MAE) / VA_m \quad (6)$$

$$RDE_m = RDE / VA_m \quad (7)$$

$$RCE_m = MAE / VA_m \quad (8)$$

$$VAIC_m = CEE_m + HCE_m + SCE_m + RDE_m + RCE_m \quad (9)$$

متغیرهای سرمایه مالی:

ساختار دارایی‌ها^۱ (AS): عملیات بانک‌ها عمدتاً بر اساس وام است. نسبت مجموع وام به کل دارایی‌ها میزان نقدینگی تخصیص یافته به وام را اندازه می‌گیرد. بانک‌هایی که نسبت بالاتری در این خصوص دارند، این بانک‌ها کمتر نقدینگی دارند (محمد نعیم، ۲۰۱۷).

کیفیت دارایی‌ها^۲ (AQ): نسبت وام‌های غیرعملیاتی^۳ یعنی وام‌هایی که با توجه به تغییر سرفصل، جزء دارایی‌های مولد و باقابلیت ایجاد درآمد محسوب نمی‌شوند؛ به کل وام‌ها، کیفیت دارایی‌های یک بانک را اندازه‌گیری می‌کند. این ویژگی منعکس‌کننده سلامت پرداخت وام بانکی است که می‌تواند بر عملکرد بانک تأثیر منفی گذارد. نسبت NPL بالاتر نشان‌دهنده کیفیت پایین‌تر وام است و به همین دلیل منجر به سودآوری پایین‌تر خواهد شد (اسد الاسلام، ۲۰۱۷). در این پژوهش به‌مانند بسیاری از تحقیقات بررسی شده از جمله محمد نعیم (۲۰۱۷) از نسبت ذخیره مطالبات به کل تسهیلات پرداختی به‌عنوان شاخص کیفیت دارایی‌ها استفاده می‌شود.

کفایت سرمایه^۴ (CA): به دلایل زیر انتظار می‌رود کفایت سرمایه تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک‌ها داشته باشد: نخست اینکه، هزینه‌های تأمین مالی برای بانک‌هایی با سطوح بالای سرمایه کاهش می‌یابد. دوم، بانک‌هایی با سطوح سرمایه بالاتر تمایل بیشتری به پرداخت وام دارند که موجب افزایش سودآوری بانک‌ها می‌شود. سوم، سرمایه نقش مهمی در جذب ریسک ناشی از دارایی‌های پرخطر مانند وام دارد و درآمد حاصل از وام‌ها موجب سودآوری بانک‌ها می‌شود. به‌رحال برگر در سال ۱۹۹۵ استدلال می‌کند که سرمایه بسیار بالا می‌تواند تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها داشته باشد، زیرا سطح بالاتری از سرمایه، باعث کاهش موقعیت نسبی ریسک بانک می‌شود و مودیلیانی و میلر در سال ۱۹۶۳ تأیید کرده‌اند که بین ریسک و بازده رابطه مستقیم وجود دارد (یونگ، ۲۰۱۶). به‌مانند یونگ در سال ۲۰۱۶ در این پژوهش از نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها به‌عنوان شاخص کفایت سرمایه استفاده می‌نماییم.

ساختار مالی^۵ (FS): با توجه به اینکه سپرده‌ها یک منبع ارزان و مناسب جهت تأمین مالی در مقایسه با سایر روش‌های تأمین مالی است، سهم بیشتر از سپرده مشتریان در بدهی‌های بانک باعث سودآوری بیشتر بانک می‌شود.

¹ - Asset structure

² - Asset Quality

³ - Non Performance Loans

⁴ - Capital adequacy

⁵ - Financial structure

از طرف دیگر، سیاست‌های تجاری رقابتی می‌تواند منجر به پرداخت نرخ بهره بالاتر برای جذب سپرده‌ها گردد که باعث کاهش حاشیه سود می‌شود (مهربان پور و دیگران، ۱۳۹۶). در این پژوهش به‌مانند کان کولتای ۲۰۱۸ از نسبت کل سپرده‌ها به کل دارایی‌ها به‌عنوان متغیر ساختار مالی بانک استفاده شده است.

مدیریت هزینه^۱ (CM): مدیریت هزینه شامل مجموعه اقداماتی است که مدیریت برای تأمین رضایت‌مندی مشتریان، همراه با کنترل و کاهش مستمر هزینه‌ها (بهای تمام‌شده) انجام می‌دهد (رهنمای رود پستی، ۱۳۹۲). در این پژوهش از نسبت کل هزینه‌ها به کل درآمدها به‌عنوان مدیریت هزینه استفاده خواهیم نمود. به‌طور معمول این نسبت به‌عنوان شاخصی از توانایی مدیریت برای کنترل هزینه‌ها استفاده می‌شود و انتظار بر آن است که رابطه معکوس با سودآوری داشته باشد.

تنوع درآمدی^۲ (RD): درحالی‌که منبع درآمد اصلی بانک‌ها درآمدهای بهره‌ای است، درآمدهای غیر بهره‌ای به‌صورت چشمگیری در سال‌های اخیر اهمیت پیدا کرده است (گلین و همکاران، ۲۰۱۴). تنوع درآمد ریسک بانک‌ها را در مواقع بحران‌های اقتصادی کاهش می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری تنوع درآمدی از نسبت درآمد غیر بهره‌ای به کل درآمدها استفاده می‌شود.

متغیرهای صنعت بانکداری:

رابطه بین سودآوری و متغیرهای صنعت بانکداری به دلیل وابستگی اقتصاد کشور به بازار پول قابل توجه است (البرتازی، ۲۰۰۹).

تمرکز مالکیت^۳ (OC): تمرکز مالکیت در بانک مهم است، زیرا می‌تواند بر توانایی (محدودسازی) مدیر هر بانک برای هدایت سودآوری بانک‌ها تأثیر داشته باشد. بر اساس تئوری نمایندگی مدیران هر بانک به دنبال منافع شخصی سهامداران اصلی (دارندگان سهام کنترل) هستند. برای اندازه‌گیری تمرکز از روش پیترسون در سال ۲۰۱۷ استفاده می‌نماییم. بر این اساس با توجه به افشای ترکیب سهامداران در صورت‌های مالی، در صورتی‌که بالای ۷۰ درصد سهام یک بانک مربوط به یک سهامدار باشد به‌عنوان بانک با تمرکز بالا شناسایی می‌شود و در صورتی‌که بین ۷۰ تا ۴۰ درصد باشد با تمرکز متوسط و در صورتی‌که سهامدار عمده بانک کمتر از ۴۰ درصد سهام را در اختیار داشته باشد، غیرمتمرکز یا با درجه تمرکز پراکنده شناسایی خواهد شد.

رقابت^۴ (CO): یکی از مهم‌ترین خصوصیات ساختار هر صنعت درجه تمرکز در آن صنعت است که می‌تواند شاخصی از وضعیت رقابت و قدرت بازاری بنگاه‌های آن صنعت باشد. هرچه تعداد بنگاه یک صنعت بیشتر و یا اینکه توزیع سهم بازار آن‌ها از یکنواختی بیشتری برخوردار باشد، درجه تمرکز آن صنعت کاهش می‌یابد (دهقان دهنوی و دیگران، ۱۳۹۰). رقابت قوی‌تر لزوماً به افزایش سودآوری کمک نمی‌کند. فرضیه ساختار-اجرا-عملکرد^۵

¹ - Cost Management

² - Revenue Diversification

³ - Ownership concentration

⁴ - Competition

⁵ - Structure Conduct Performance

(SCP) استدلال می‌کند که در بازار رقابتی بسیار متمرکز، رقابت پایین‌تر است و بانک‌ها تمایل به همکاری با یکدیگر برای به دست آوردن سود فوق‌العاده دارند. (یونگ تان، ۲۰۱۶) در این پژوهش به‌مانند یونگ تان در سال ۲۰۱۶ برای محاسبه میزان رقابت (عدم تمرکز و انحصار) از شاخص هیرشمن-هیرفندال^۱ بر اساس میزان دارایی هر بانک نسبت به کل بانک‌ها طبق رابطه زیر استفاده می‌شود.

$$HHIC_i = \sum_{i=1}^n \left(\frac{i}{t}\right)^2$$

که در آن i دارایی‌های مربوط به هر بانک، t مجموع دارایی‌های همه بانک‌ها و HHI شاخص هیرشمن - هیرفندال است. اغلب وقتی که شاخص بیش از ۱۸۰۰ باشد (۰.۱۸) اگر ما از واحدها به جای درصد استفاده کنیم) گفته می‌شود که بازار بسیار متمرکز است و زمانی که شاخص کمتر از ۱۰۰۰ (یا ۰.۱) باشد، غیرمتمرکز است (آنتونیو، ۲۰۱۳). توسعه بازار سرمایه^۲ (SMD): توسعه بازار سرمایه می‌تواند به کاهش ریسک اعتباری در بانک‌ها کمک نماید. در این پژوهش به‌مانند یونگ در سال ۲۰۱۶ از نسبت ارزش بازار سرمایه بانک‌های انتخاب‌شده به تولید ناخالص داخلی^۳ در هر سال به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی بازار سرمایه استفاده می‌نماییم.

شاخص‌های اقتصاد کلان:

رشد تولید ناخالص داخلی^۴ (GDP): به‌طور کلی به دلیل شرایط مساعد اقتصادی برای وام‌گیرندگان انتظار بر این است که این متغیر با سودآوری بانک‌ها ارتباط مثبت داشته باشد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از تارنمای بانک مرکزی^۵ استخراج می‌شود.

تورم^۶ (INF): اگر تورم به‌طور کامل پیش‌بینی شده و نرخ بهره بر اساس آن تنظیم شود، تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک‌ها خواهد داشت. در غیر این صورت تورم غیرمنتظره موجب ایجاد مشکلات برای تأمین جریان نقدی وام‌گیرندگان می‌شود و باعث ایجاد مشکلات وصول مطالبات خواهد شد (یونگ و کریستون، ۲۰۱۲). تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) از تارنمای بانک مرکزی استخراج می‌شود.

نرخ بهره^۷ (IR): مبلغ یا میزان هزینه پرداخت‌شده توسط وام‌دهندگان به‌عنوان جبران خسارت استفاده از سرمایه یا دارایی، به‌عنوان نرخ بهره شناخته می‌شود که مهم‌ترین عامل مؤثر بر تقاضا و عرضه اعتبار بانکی است (بشیر، ۲۰۰۳). این نرخ معمولاً بر اساس نرخ هزینه پول بانک‌ها تعیین می‌شود؛ مانند مهربان پور در سال ۱۳۹۶

¹ - HHI industry concentration

² - Stock market development

³ - Gross Domestic Product

⁴ - GDP growth rate

⁵ - www.cbi.ir

⁶ - Inflation

⁷ - Interest Rate

از متوسط نرخ بهره اوراق مشارکت به‌عنوان متغیر نرخ بهره استفاده خواهد شد که از تارنمای بانک مرکزی استخراج می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی قابل‌بحث و ارائه است. در بین شاخص‌های آمار توصیفی، مهم‌ترین شاخص، میانگین است که نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع را نشان می‌دهد و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. از طرفی انحراف معیار نشان‌دهنده پراکندگی داده‌ها است. شاخص‌های حداقل و حداکثر نیز، دامنه تغییرات داده‌ها را نشان می‌دهد. آمار توصیفی این پژوهش در جدول شماره (۱) درج شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی

نام متغیر	ROA	ROE	VAIC	AQ	AS	CA	CM	RD
میانگین	۰.۰۲	۰.۲۰	۴.۳۱	۰.۰۵	۰.۶۴	۰.۰۹	۰.۸۵	۰.۰۸
بیشترین	۰.۰۵	۱.۰۹	۱۳.۵۲	۰.۱۰	۰.۷۲	۰.۲۷	۰.۹۸	۰.۴۰
کمترین	۰.۰۰۲	۰.۰۳۰	۱.۴۴	۰.۰۱	۰.۳۷	۰.۰۳	۰.۰۸	۰.۰۱
انحراف معیار	۰.۰۱	۰.۱۹	۲.۸۶	۰.۰۲	۰.۰۸	۰.۰۵	۰.۱۶	۰.۰۸
نام متغیر	FS	CO	OC	SMD	GDP	INF	IR	
میانگین	۰.۷۸	۰.۰۱	۲.۵۰	۰.۰۳	۰.۰۲	۰.۱۷	۰.۱۸	
بیشترین	۰.۹۰	۰.۰۲	۳.۰۰	۰.۰۵	۰.۱۳	۰.۳۵	۰.۲۰	
کمترین	۰.۵۸	۰.۰۱	۱.۰۰	۰.۰۲	-۰.۰۷	۰.۰۹	۰.۱۵	
انحراف معیار	۰.۰۸	۰.۰۰۱	۰.۷۶	۰.۰۱	۰.۰۶	۰.۰۹	۰.۰۲	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول شماره (۱) متغیر بازده دارایی‌ها، دارای میانگین ۰.۰۲ است که نشان می‌دهد اعداد محاسبه‌شده برای این متغیر حول این عدد با حداقل ۰.۰۰۲، حداکثر ۰.۰۵ و انحراف معیار ۰.۰۱ می‌باشند. میانگین بازده حقوق صاحبان سهام، ۲۰ درصد است. میانگین ساختار دارایی‌ها حدود ۶۴ درصد است که نشان‌دهنده این است که از مجموع دارایی‌های بانک‌ها به‌طور میانگین ۶۴ درصد انواع وام و تسهیلات پرداخت شده است که با توصیه کمیته بال^۱ مبنی بر پرداخت حدود ۷۰ درصد منابع در قسمت وام و تسهیلات مطابقت دارد. میانگین کیفیت دارایی‌ها حدود ۵ درصد است که با استاندارد جهانی مطابقت دارد. میانگین درآمدهای کارمزدی حدود ۸ درصد است که نشان می‌دهد ۹۲ درصد درآمد بانک‌های موردبررسی از واسطه‌گری وجوه به دست می‌آید. مدیریت هزینه که از

^۱ - Basel Committee on Banking Supervision

تقسیم کل هزینه به کل درآمد محاسبه شده‌اند، دارای میانگین ۸۵ درصد می‌باشند که با توجه به اینکه فقط بانک‌های دارای سود عملیاتی به علت وجود سرمایه‌فکری در این پژوهش، بررسی شده‌اند، منطقی به نظر می‌رسند. با بررسی تمرکز مالکیت درمی‌یابیم که بانک‌های تجاری ایران کمی بالاتر از تمرکز متوسط هستند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط یک گروه خاص کنترل می‌شوند. بر اساس تحقیقات پیشین، بانک‌های دارای مالکیت متمرکز بالا، دارای نسبت بازدهی دارایی‌های و حاشیه سود خالص بالاتر و درآمدهای تکراری هستند. شاخص رقابت کمی بیشتر از ۱ درصد است که بر اساس شاخص هریشمن و هرفیندال، نشان از رقابت انحصاری دارد که بر اساس آن هیچ کدام از بانک‌های تجاری، قابلیت تأثیر بر کل بازار را ندارند. متوسط نرخ بهره به متوسط نرخ تورم نزدیک است و به مانند آنچه در بخش تورم گفته شد احتمالاً افزایش در نرخ بهره باعث افزایش تورم و در نهایت افزایش هزینه‌های اداری و کارکنان بانک‌ها شده و این امر باعث کاهش سودآوری آن‌ها می‌شود. میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۱.۳ درصد است که این امر حاکی از اوضاع ضعیف رشد تولید ناخالص داخلی در کشور است. همان‌گونه تشریح گردید، در صورتی که نرخ رشد اقتصادی کشور از نرخ سود بانکی بیشتر باشد ریسک اعتباری بانک‌ها کاهش یافته و کارایی بانک افزایش خواهد یافت که در اینجا برعکس است.

با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش به صورت مقطعی بررسی می‌شود، ضرورتی به انجام آزمون پایایی یا مانایی نیست (بنی مهد و دیگران، ۱۳۹۷). به منظور بررسی عدم وجود همبستگی بین متغیرهای توضیحی، آزمون تورم واریانس (VIF) انجام گردید که در جدول شماره (۲) درج شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تورم واریانس

نام متغیر	VAICM	AQ	AS	CA	CM	FS	RD
VIF	۹.۱۵۹	۲.۸۷۹	۴.۰۷۱	۳.۰۵۸	۸.۰۸۱	۲.۸۸۲	۲.۴۸۰
نام متغیر	SMD	OC	CO	GDP	INF	IR	
VIF	۳.۶۲۱	۱.۵۷۸	۲.۴۱۸	۴.۲۱۹	۷.۰۴۸	۴.۸۰۷	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس جدول شماره (۲)، با توجه به اینکه میزان تورم واریانس متغیرهای مورد بررسی کمتر از ۱۰ است، بنابراین مشکل هم خطی قابل اغماض است (بنی مهد و دیگران، ۱۳۹۷).

نتایج آزمون مدل‌ها

نتایج تحلیل مدل برآزش شده با متغیر بازده دارایی‌ها، در جدول شماره (۳) درج شده است. نتایج حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیرهای سرمایه‌فکری و نرخ بهره با بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و کیفیت دارایی‌ها، مدیریت هزینه و توسعه بازار سرمایه با بازده دارایی بانک‌های تجاری رابطه معنادار منفی دارد و سایر متغیرها شامل ساختار دارایی‌ها، کفایت سرمایه، ساختار مالی، تنوع درآمد، تمرکز مالکیت، نرخ رشد تولید ناخالص

داخلی و تورم، رابطه معنی‌داری با بازده دارایی‌ها نداشته‌اند. نتایج آماره دوربین واتسون حاکی از عدم خودهمبستگی مدل است. آزمون بروش پاگان نشان‌دهنده همسان بودن واریانس مقادیر خطا است و آزمون بروش گاد فری نیز نشان از عدم خودهمبستگی خطاهای مدل دارد. آماره F فیشر با سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد نشان از معنی‌دار بودن مدل رگرسیون دارد. در پایان ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل، نشان می‌دهد ۹۰ درصد تغییرات متغیر وابسته در این مدل یعنی بازده دارایی‌ها، توسط متغیرهای توضیحی مدل تبیین می‌شود.

جدول ۳: نتایج رگرسیون چندگانه با متغیر بازده دارایی‌ها (ROA)

نام متغیر	ضریب متغیر توضیحی	انحراف معیار	آماره t	ضریب معنی‌داری	نتیجه
VAICM	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۲.۵۱۸	۰.۰۱۹	معنی‌دار و مثبت
AQ	-۰.۱۲۸	۰.۰۵۵	-۲.۳۴۳	۰.۰۲۸	معنی‌دار و منفی
AS	۰.۰۱۳	۰.۰۲۲	۰.۵۹۹	۰.۵۵۵	بی‌معنی
CA	۰.۰۲۵	۰.۰۳۰	۰.۸۳۳	۰.۴۱۳	بی‌معنی
CM	-۰.۰۵۲	۰.۰۱۷	-۲.۹۹۷	۰.۰۰۶	معنی‌دار و منفی
FS	۰.۰۰۶	۰.۰۱۵	۰.۳۸۷	۰.۷۰۲	بی‌معنی
RD	۰.۰۲۹	۰.۰۱۷	۱.۶۵۶	۰.۱۱۱	بی‌معنی
SMD	-۰.۳۶۸	۰.۱۳۷	-۲.۶۹۰	۰.۰۱۳	معنی‌دار و منفی
OC	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۱.۰۱۵	۰.۳۲۰	بی‌معنی
CO	۱.۴۶۹	۰.۸۰۰	۱.۸۳۶	۰.۰۷۹	بی‌معنی
GDP	-۰.۰۳۴	۰.۰۲۳	-۱.۴۳۹	۰.۱۶۳	بی‌معنی
INF	۰.۰۱۹	۰.۰۲۰	۰.۹۴۲	۰.۳۵۶	بی‌معنی
IR	۰.۱۷۷	۰.۰۶۰	۲.۹۲۴	۰.۰۰۷	معنی‌دار و مثبت
C	-۰.۰۰۲	۰.۰۳۱	-۰.۰۶۲	۰.۹۵۱	
ضریب تعیین		۰.۹۳	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰.۹۰
آماره دوربین واتسون		۲.۳	F آماره		۲۶.۳۹
آزمون بروش پاگان		۰.۱۲۵	ضریب معنی‌داری		۰.۰۰۰
همبستگی سریالی LM		۰.۶۵۴			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بنابراین الگوی سودآوری بانک‌های تجاری با استفاده از متغیر بازده دارایی‌ها به شرح زیر است:

$$ROA = 0.002VAICM - 0.128AQ - 0.052CM - 0.368SMD + 0.177IR - 0.002$$

نتایج تحلیل مدل برازش شده با متغیر بازده حقوق صاحبان سهام، در جدول شماره (۴) درج شده است. نتایج حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیرهای سرمایه‌فکری، تمرکز مالکیت و نرخ بهره با بازده

حقوق صاحبان سهام بانک‌های تجاری رابطه مثبت و کیفیت دارایی‌ها، کفایت سرمایه، مدیریت هزینه، توسعه بازار سرمایه و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار منفی دارد و سایر متغیرها شامل ساختار دارایی‌ها، ساختار مالی و تورم رابطه معنی‌داری با بازده حقوق صاحبان سهام نداشته‌اند. نتایج آماره دوربین واتسون حاکی از عدم خودهمبستگی مدل است. آزمون بروش پاگان نشان‌دهنده همسان بودن واریانس مقادیر خطا است و آزمون بروش گاد فری نیز نشان از عدم خودهمبستگی خطاهای مدل دارد. آماره F فیشر با سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد نشان از معنی‌دار بودن مدل رگرسیون دارد. در پایان ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل، نشان می‌دهد ۹۰ درصد تغییرات متغیر وابسته در این مدل یعنی بازده حقوق صاحبان سهام توسط متغیرهای توضیحی مدل تشریح و پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۴: نتایج رگرسیون چندگانه با متغیر بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)

نام متغیر	ضریب متغیر توضیحی	انحراف معیار	آماره t	ضریب معنی‌داری	نتیجه
VAICM	۰.۰۱۹	۰.۰۰۸	۲.۴۵۸	۰.۰۲۲	معنی‌دار و مثبت
AQ	-۱.۸۵۶	۰.۵۲۱	-۳.۵۶۵	۰.۰۰۲	معنی‌دار و منفی
AS	-۰.۱۰۷	۰.۲۰۶	-۰.۵۲۰	۰.۶۰۸	بی‌معنی
CA	-۱.۷۸۵	۰.۲۸۳	-۶.۳۱۶	۰.۰۰۰	معنی‌دار و منفی
CM	-۰.۵۶۹	۰.۱۶۵	-۳.۴۵۳	۰.۰۰۲	معنی‌دار و منفی
FS	۰.۰۶۵	۰.۱۴۱	۰.۴۶۲	۰.۶۴۸	بی‌معنی
RD	۰.۲۸۵	۰.۱۶۴	۱.۷۴۰	۰.۰۹۵	بی‌معنی
SMD	-۴.۰۰۵	۱.۳۰۰	-۳.۰۸۰	۰.۰۰۵	معنی‌دار و منفی
OC	۰.۰۲۹	۰.۰۱۱	۲.۷۶۱	۰.۰۱۱	معنی‌دار و مثبت
CO	۱۰.۹۸۹	۷.۶۰۴	۱.۴۴۵	۰.۱۶۱	بی‌معنی
GDP	-۰.۴۷۵	۰.۲۲۲	-۲.۱۳۵	۰.۰۴۳	معنی‌دار و منفی
INF	۰.۲۴۷	۰.۱۹۲	۱.۲۸۱	۰.۲۱۲	بی‌معنی
IR	۱.۹۴۴	۰.۵۷۴	۳.۳۸۷	۰.۰۰۲	معنی‌دار و مثبت
C	۰.۳۷۸	۰.۲۹۳	۱.۲۸۷	۰.۲۱۰	
ضریب تعیین		۰.۹۴	ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰.۹۰
آماره دوربین واتسون		۲.۱۷	آماره F		۲۶.۵۸
آزمون بروش پاگان		۰.۶۱۱	ضریب معنی‌داری		۰.۰۰۰
همبستگی سریالی LM		۰.۵۹۶			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بنابراین الگوی سودآوری بانک‌های تجاری با استفاده از متغیر بازده حقوق صاحبان سهام به شرح زیر است:

$$ROE = 0.019 VAICM - 1.856 AQ - 1.785 CA - 0.569 CM - 4.005SMD + 0.029 OC - 0.475 GDP + 1.944 IR + 0.378$$

خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها

این پژوهش برای نخستین بار در ایران، تأثیر سرمایه‌های مشهود و نامشهود بانک‌های تجاری و همچنین عوامل محیطی شامل مؤلفه‌های صنعت بانکداری و شاخص‌های اقتصاد کلان را بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام، به‌عنوان دو شاخص سودآوری بانک‌های تجاری، به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش در جدول شماره (۵) به‌صورت خلاصه آمده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج پژوهش شامل متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیرهای وابسته

IR	GDP	OC	SMD	CM	CA	AQ	VAICM	خلاصه تحقیق
مثبت			منفی	منفی		منفی	مثبت	ROA
مثبت	منفی	مثبت	منفی	منفی	منفی	منفی	مثبت	ROE

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، متغیر سرمایه فکری با هر دو شاخص بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت داشته است که با نتایج دستگیر و دیگران (۱۳۹۳) و اکتاوو و سوئیتسو (۲۰۱۹) هم‌راستا بوده است. بر اساس مبانی نظری و تئوری مبتنی بر منابع، سرمایه فکری می‌بایست باعث بهبود سودآوری گردد که این تأثیر در هر دو شاخص سودآوری نمایان است. متغیر کیفیت دارایی‌ها که ریسک اعتباری بانک‌ها را نشان می‌دهد، مطابق با ادبیات موضوع بر هر دو شاخص سودآوری تأثیر منفی داشته است که نتایج آن با نتایج نجفی شریعت زاده (۱۳۹۵)، جیمز (۲۰۱۴) گرو و همکاران (۲۰۱۴) و اندری و همکاران (۲۰۲۰) هم‌راستا بوده است. کفایت سرمایه‌بر بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر منفی داشته است که نتیجه این متغیر با هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی هم‌راستا نبوده است. بر اساس استدلال برگر در سال ۱۹۹۵، کفایت سرمایه بسیار بالا می‌تواند به علت کاهش موقعیت نسبی ریسک بانک‌ها، تأثیر منفی بر سودآوری بانک‌ها داشته باشد، زیرا به اعتقاد مودیلیانی و میلر در سال ۱۹۶۳، بین ریسک و بازده رابطه مستقیم وجود دارد. مدیریت هزینه که با نسبت کل هزینه‌ها به کل درآمدها موردسنجش قرار گرفت، مطابق با ادبیات موضوع، بر هر دو شاخص سودآوری تأثیر منفی داشته است که با پژوهش فاتیوس و کاسمیدو (۲۰۰۷) هم‌راستا بوده است. توسعه بازار سرمایه بر اساس ادبیات موضوع باید با کاهش ریسک اعتباری و نقدینگی بانک‌ها، بر سودآوری بانک‌ها تأثیر مثبت داشته باشد. لیکن در این پژوهش تأثیر منفی بر هر دو شاخص سودآوری بانک‌های تجاری داشته است و با هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی بررسی شده هم‌راستا نیست. این امر می‌تواند به دلیل عدم همکاری و مشارکت بانک‌ها و بازار سرمایه در هم‌افزایی و تأمین مالی وام‌گیرندگان

توصیف گردد. تمرکز مالکیت در این پژوهش با بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها رابطه مثبت داشته است. نتیجه این متغیر با نتیجه پیترسون و اولینکا (۲۰۱۷) هم‌راستا بوده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر منفی داشته است. نتیجه این متغیر نیز با نتیجه محمد، محمد و محمود (۲۰۲۰) هم‌راستا بوده است. نرخ بهره بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت داشته است که نتیجه این متغیر نیز با جاکوب (۲۰۱۷) هم‌راستا است.

متغیرهای ساختار دارایی‌ها، ساختار مالی، تنوع درآمد، رقابت و تورم نیز بر هیچ‌کدام از شاخص‌های سودآوری تأثیر معنی‌داری نداشته‌اند. با این وجود برخی متغیرهای درون و برون‌سازمانی دیگر، از جمله مؤلفه‌های سرمایه فکری، ریسک نقدینگی، حاکمیت شرکتی، وضعیت باز ارزی بانک‌ها، میزان عرضه پول و ... می‌تواند برای گسترش این پژوهش، در پژوهش‌های آتی به کار گرفته شود.

بر اساس نتایج به دست آمده و به منظور افزایش سودآوری، پیشنهاد می‌گردد بانک‌های تجاری؛ از سرمایه فکری به عنوان مکمل سرمایه مالی استفاده نمایند. با استفاده از روش‌های اعتبارسنجی کیفیت دارایی‌های خود را افزایش داده تا ریسک اعتباری خود را کاهش دهند. با استفاده از فنون مدیریت هزینه، هزینه‌های خود را با در نظر گرفتن جوانب امر و بدون کاهش رضایت‌مندی کارکنان و مشتریان، مدیریت و کاهش دهند. با استفاده از طراحی خدمات جدید، سهم درآمدهای غیر مشاع (کارمزدی) خود را از کل درآمدها افزایش دهند. مسئولین امر در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد توجه ویژه‌ای به توسعه بازار سرمایه داشته باشند تا ریسک اعتباری بانک‌ها از این طریق کاهش یافته و سودآوری آن‌ها بیشتر گردد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در قالب انعقاد یک تفاهم‌نامه، بین بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار، در تأمین مالی صنایع و شرکت‌ها، رویکرد مکملی و تکامل مشترک (هم‌افزایی) را به جای رویکرد تقابلی، در پیش گیرند. شواهد تجربی حاصل از این پژوهش بر این نکته تأکید می‌نماید که به‌طور کلی، مدیران بانک‌های تجاری باید به هر دو گروه عوامل درون و برون‌سازمانی توجه کافی داشته باشند تا بتوانند سودآوری بانک‌های تجاری را افزایش دهند.

فهرست منابع

- * اربابیان شیرین، جنتی مشکانی ابوالفضل، خجسته زینب (۱۳۹۵). تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر ثبات و ریسک بانکی، فصلنامه پژوهش‌های پولی بانکی، ۹(۲۹)، ۴۸۷-۵۱۱.
- * بنی مهد بهمن، عربی مهدی، حسن‌پور شیوا (۱۳۹۷). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری. انتشارات ترمه.
- * پور مهر مهدی، سپهر دوست حمید، نظیری محمدکاظم مهرگان، نادر (۱۳۹۷). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و کیفیت مدیریت بر سودآوری بانک‌های خصوصی؛ رهیافت الگوی خود رگرسیون برداری ساختاری، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی دانشگاه خوارزمی، ۹(۳۴)، ۲۰۱-۲۵۵.

- * دستگیر محسن، عرب صالحی مهدی، جعفری راضیه امین، اخلاقی حسنعلی (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۳۶-۱ (۲۱) ۳۶.
- * دهقان دهنوی محمدعلی، یآوری کاظم، حسینی نسب سید ابراهیم، سحابی بهرام (۱۳۹۰). ارتباط ساختار بازار و کارایی با سودآوری با سودآوری در صنعت بانکداری ایران، مجله علمی پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، ۶، ۶۱-۸۶.
- * رهنمای رود پشته فریدون (۱۳۹۲). حسابداری مدیریت راهبردی مبتنی بر مدیریت هزینه ارزش‌آفرین، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۵۶-۶۳.
- * علی احمدی علیرضا (۱۳۸۲). نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک، انتشارات تولید دانش، ۱۵۴-۱۵۶.
- * محمود زاده محمود، عفتی باران فرشید. (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی در بانک‌های ایران، فصلنامه مدل‌سازی ریسک و مهندسی مالی، ۲(۱)، ۶۰-۷۹.
- * مهربان پور محمدرضا، نادری نور عینی محمدمهدی، اینانلو عفت، اشعری الهام (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۵۴، ۱۱۳-۱۳۴.
- * نجفی شریعت زاده ایرج، شعبان زاده مهدی، زمردیان غلامرضا (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران با استفاده از الگوی پنل ARDL. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار. ۲۹. ۱۵۹-۱۷۱.
- * همتی حسن، معین‌الدین محمود، مظفری شمسی مریم (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های غیرمالی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲(۷)، ۲۳-۴۸.
- * Albertazzi, Ugo, Gambacorta, Leonardo. (2009). Bank profitability and the business cycle. *Journal of Financial Stability*. 5. 393-409.
- * Antonio, Trujillo-Ponce. (2013). What determines the profitability of banks? Evidence from Spain, *Accounting and Finance*, 53, 561-586.
- * Asadul Islam, Nazirul Islam, Mahabub Rahman, Shafiullah Prohdan, Arifin Sultana. (2017). Determinants of Profitability of Commercial Banks in Bangladesh, *International Journal of Banking and Financial Law*, 1, 1-11.
- * Bashir, Abdel-Hameed, Kabir Hassan. (2003). Determinants of Profitability in Islamic Banks: Some Evidence from the Middle East, *Islamic Economic Studies*, 11(1) 31-57.
- * Edvinsson, Leif. (1997). Developing Intellectual Capital at Skandia Long Range Planning. 30(3) 366-373.
- * Endri Endri, Asti Marlina and Hurriyaturohman (2020). Impact of internal and external factors on the net interest margin of banks in Indonesia. *Banks and Bank Systems*, 15(4), 99-107.
- * Fotios Pasioura, Kyriaki, Kosmidou. (2007). Factors influencing the profitability of domestic and foreign commercial banks in the European Union. *Research in International Business and Finance*. 21. 222-237.
- * Ghaith N. Al-Eitan¹, Ayman M. Alkhazaleh, Ahmad S. Alkazali, Bassam Al-Own (2021). The Internal and External Determinants of the Performance of Jordanian Islamic Banks: A Panel Data Analysis, *Asian Economic and Financial Review*, Asian Economic and Social Society, 11(8), 644-657.
- * Glenn Growe, Marinus DeBruine, John Y. Lee, Jose´ F. Tудо´ n Maldonado. (2014). The profitability and performance measurement of U. S Regional banks using the predictive focus of the fundamental analysis research, *Journal of Management Accounting*, 24, 189-237.

- * Hennie van Greuning, Sonja Brajovic Bratanovic. (2009). Analyzing Banking Risk, A Framework for Assessing Corporate Governance and Risk Management, THE WORLD BANK, Washington, DC.
- * Isik Ozcan, Merve Kosaroglu, Ayhan Demirci. (2018). The Impact of Size and Growth Decisions on Turkish Banks' Profitability, *International Journal of Economics and Financial Issues*, 8(1) 21-29.
- * Jacob A. Bikker, Tobias M. Vervliet. (2017). Bank profitability and risk taking under low interest rates. *International Journal of Finance & Economics*. 23. 3-18.
- * James Ayodele Owoputi, Olawale Femi Kayode, Felix Ademola Adeyefa. (2014). Bank-specific, industry-specific and macroeconomic indicators on bank profitability in Nigeria, *Journal of Financial Stability*, 10, 408-422.
- * Kutlay, Kaan, Safakli, okan. (2018). The Relationship between Bank Profitability and Micro Variables with Particular Emphasis on Bank Type: The Case of Northern Cyprus, *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, 8 (1) 26-40.
- * Mohamed Sayed Abou Elseoud, Mohamed Yassin, Mahmood Asad Moh'd Ali. (2020). Using a panel data approach to determining the key factors of Islamic banks' profitability in Bahrain, *Cogent Business & Management*, 7:1, 1-16.
- * Muhammad Naeem, Qadar Bakhsh Baloch. (2017). factors affecting the Banks' profitability in Pakistan, *International Journal of Business Studies Review*, 2, 33-49.
- * Murthy, Vijaya, Mouritsen, Jan. (2011). The performance of intellectual capital: Mobilising relationships between intellectual and financial capital in a bank, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 24(5) 622-646.
- * Octavio, Danes Quirira, Soesetio, Yuli. (2019). Intellectual capital and bank profitability: Evidence from conventional and Islamic bank in Indonesia, *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, 23(2) 191-205.
- * Peterson K Ozili, Olayinka, Uadiale. (2017). Ownership concentration and bank profitability, *Journal of Future Business*, 159-171.
- * Qaisar Ali, Selamah, Maamor, Selamah, Maamor, Hakimah, Yaacob, Usman Tariq Gill. (2018). Impact of Macroeconomic Variables on Islamic Banks Profitability, *Journal of Accounting and Applied Business Research*, 2, 1-16.
- * Riahi-Belkaoui, Ahmed. (2003). Intellectual Capital and Firm Performance of US Multinational Firms, *Journal of Intellectual Capital*, 4(2), 215-265.
- * Sang Soo CHAE, Jae Youn LEE, Choong Lyol LEE. (2020). Profitability on Corporation Banks in ASEAN - Focusing Overseas Characteristics, *Asian Economic and Financial Review*, *Asian Economic and Social Society*, 10(3), 352-366.
- * Xu, Jian, Liu, Feng. (2020). The Impact of Intellectual Capital on Firm Performance: A Modified and Extended VAIC Model, *Journal of Competitiveness*, 12(1)161-176.
- * Yong Tan, Christos, Floros. (2012). Bank profitability and inflation: the case of China, *Journal of Economic Studies*, 39, 675-696.
- * Yong Tan. (2016). The impacts of risk and competition on bank profitability in China, *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, 40, 85-110.

Comprehensive study of the factors affecting the profitability of commercial banks

Alireza Shahreza

Ph. D. Candidate of Accounting, Department of Accounting, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran
alishahreza1358@gmail.com

Khosro Faghani Makrani

Associate Professor of Accounting, Department of Accounting, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author)
Kh.makrani@chmail.ir

Naghi Fazeli

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran
fazeli.nphd@gmail.com

Abstract

This study was conducted to evaluate the impact of intellectual capital, components of financial capital, banking industry indicators and macroeconomic indicators as internal and external factors on the return on assets and return on equity of commercial banks listed on the Tehran Stock Exchange. The required data have been collected from the audited financial statements and the information available on the Central Bank's website for the period 2015 to 2020. To evaluate the significance of the effect of the studied variables, multivariate regression analysis method has been used. The results show that intellectual capital and interest rates have a positive effect and assets quality, cost management and stock market development have a negative effect on return on assets of banks, and intellectual capital, ownership concentration and interest rates have a positive effect and asset quality, cost management, capital adequacy, stock market development and GDP growth rate, have a negative effect on return on equity of banks. Empirical evidence from this study emphasizes that the managers of commercial banks should pay enough attention to internal and external factors in order to improve the profitability of commercial banks.

Keywords: intellectual capital, financial capital, profitability, macroeconomics, banking industry indicators.

